



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه علوم اجتماعی - جامعه شناسی

بررسی جامعه شناختی ارزش ها و نگرش های دو نسل:

نسل دوم انقلاب (50 - 42) ساله و نسل سوم انقلاب (25 - 17) ساله ، نسبت به

روابط دختر و پسر و پدیده شکاف نسلی

از:

مریم علیپور کماچالی

استاد راهنما:

دکتر مازیار جفرودی

استاد مشاور:

دکتر محمد مهدی رحمتی

اسفند 1391

تقدیم بہ محسّر عزیز تر از جانم

و

تمامی دوستانی کہ مراد این میسر یاری نمودند...

مشکر و قدروانی

بتائش و پاس آفریدگار حکیم را سزا است که آدمی را از خاک آفسرید آنگاه عقل، آن رسول باطنی را بر او عرضه داشت و او را خلیفه خویش بر روی زمین قرار داد...

بر خود لازم می دانم که از

دکتر مازیار جسنه رودی بخاطر راهبانی ارزشمند و راحکشیشان مشکر نمایم...

از آقایان دکتر محمد امین کنتانی و رطنا معصومی را در بهت داورسی و نظرات ارزنده و شان مشکرم...

از پدر و مادرم که در تک تک لحظه های دانش اندوزی با عشق و دلسوزی مشوق من بودند کمال مشکر را دارم...

از تنها عشق زندگی ام، دوست و همسر مهربانم که در تمامی لحظات دشوار و شکننا می توان فرسا، روحیه بخش، هپا و یاورم بود سپاسگزارم...

در نهایت از خانواده و تمامی دوستانی که در گردآوری اطلاعات و انجام مصاحبه با مدیر بخش بیکاری نمودند و همه کسانی که یار مکرّم بودند، قدروانی می نمایم...

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	چکیده فارسی :
ث	چکیده لاتین:
۱	مقدمه :
	فصل اول: کلیات
4	۱- ۱- طرح مسأله
6	۱- ۲- اهداف تحقیق
6	۱- ۳- پرسش های تحقیق
7	۱- ۴- ضرورت تحقیق
	فصل دوم: مبانی نظری تحقیق
9	۲- ۱- مقدمه
9	۲- ۲- پیشینه ی پژوهش
9	۲- 2- 1- پیشینه ی پژوهش درباره ی عشق
9	۲- 2- 1- 1- پژوهش های داخلی درباره ی عشق
14	۲- 2- 1- 2- پژوهش های خارجی درباره ی عشق
17	۲- ۲- ۲- تحقیقات نسلی
18	۲- 2- 3- نقد و ارزیابی مطالعات پیشین
19	۲- ۳- ادبیات نظری پژوهش
19	۲- ۳- ۱- مقدمه
20	۲- 3- 2- نظریه های عشق
20	۲- ۳- ۲- ۱- نظریه های روانشناختی و جامعه شناختی عشق

- 20 - 2 - 3 - 2 - 1 - 1 - نظریه اریک فروم درباره ی عشق
- 21 - 2 - 3 - 2 - 1 - 2 - نظریه روانکاوی فروید
- 23 - 2 - 3 - 2 - 1 - 3 - دیدگاه مری ایوانز درباره ی عشق
- 25 - 2 - 3 - 2 - 1 - 4 - زیگمونت باومن: عشق سیال
- 27 - 2 - 3 - 2 - 1 - 5 - دیدگاه گیدنز درباره ی دگردیسی صمیمیت
- 30 - 2 - 3 - 2 - 2 - نظریه های فلسفی درباره ی عشق
- 30 - 2 - 3 - 2 - 2 - 1 - دیدگاه فیلسوفان سنت الهیاتی درباره ی عشق
- 31 - 2 - 3 - 2 - 2 - 2 - دیدگاه طبیعت گرایانه درباره ی عشق
- 32 - 2 - 3 - 2 - 2 - 3 - دیدگاه فایرستون در باره ی عشق
- 34 - 2 - 3 - 2 - نظریه های نسلی
- 34 - 2 - 3 - 2 - 1 - مانهایم بانی نظریه ی نسل تاریخی
- 35 - 2 - 3 - 2 - 2 - نظریه ی نسلی پی یر بوردیو
- 36 - 2 - 3 - 3 - دیدگاه نسلی رونالد اینگلهارت

فصل سوم: روش تحقیق

- 39 - 3 - 1 - مقدمه
- 40 - 3 - 2 - نظریه میدانی
- 41 - 3 - 3 - شیوه نمونه گیری و ویژگیهای نمونه های مورد بررسی
- 42 - 3 - 4 - شیوه جمع آوری اطلاعات
- 43 - 3 - 5 - پایایی و روایی
- 44 - 3 - 6 - چارچوب مفهومی
- 46 - 3 - 7 - تعریف برخی مفاهیم مهم
- 46 - 3 - 7 - 1 - تعریف عشق
- 46 - 3 - 7 - 2 - نسل

47 ۳ - 7 - ۳ - ارزش

47 8 - 3 - فرصت ها و چالش های روش شناختی و عملیاتی

فصل چهارم: یافته های تحقیق

50 ۴ - ۱ - مقدمه

51 ۴ - ۲ - یافته های توصیفی

54 ۴ - ۳ - یافته های تحلیلی: تعریف عشق

54 ۴ - 3 - ۱ - تعریف عشق در بین نسل (18 - 25) سال

55 ۴ - 3 - ۲ - تعریف عشق در بین نسل (42 - 50) سال

56 ۴ - 4 - یافته های تحلیلی: سیالیت

57 ۴ - 4 - ۱ - عشق شورمندانه

۴ - 4 - ۲ - عشق رمانتیک (زناشویی)

59

64 ۴ - 4 - ۳ - عشق رفاقتی

68 ۴ - 4 - ۴ - عشق سلحشورانه

71 ۴ - 4 - ۵ - عشق سیال

72 ۴ - 5 - ارزشها و عوامل مداخله گر

72 ۴ - 5 - ۱ - جنسیت

78 ۴ - 5 - ۲ - دینداری

87 ۴ - 5 - ۳ - خانواده

90 ۴ - 5 - ۴ - تغییرات اجتماعی

90 ۴ - 5 - ۱ - تحصیلات و بالارفتن سن ازدواج

۹۲ ۴ - 5 - ۲ - گمگشتگی مفهوم ارزش

96 ۴ - 5 - 5 - بازاندیشی

۹۸ ۴ - 6 - شرایط علی

۱۰۰	۴-۷- استراتژی ها
۱۰۰	۴-۷-۱ - کنترل رابطه به سمت ازدواج
۱۰۱	۴-۷-۲ - پروسه مندی
۱۰۲	۴-۷-۳ - گریز از عشق
102	۴-۷-۳-۱ - انکار یا تغییر مصدر عشق
105	۴-۷-۳-۲ - عشق معطوف به والدین

فصل پنجم: نتیجه گیری

108	۵-۱- روایت اصلی داستان
108	۵-۱-۱- مقدمه
108	۵-۱-۲- بحث و نتیجه گیری
113	۵-۲- پیشنهادات پژوهشی

منابع و مأخذ

115	منابع فارسی
116	منابع لاتین

فهرست جداول

صفحه	عنوان
51	4 - 1 - اطلاعات توصیفی افراد نسل سوم (18 تا 25 سال)
53	4 - 2 - اطلاعات توصیفی افراد نسل اول و دوم (42 تا 50 سال)

فهرست شکلها

صفحه	عنوان
45	شکل 3 - 1: مدل الگوی تحقیق
56	شکل 4 - 1: تیپولوژی عشق
58	شکل 4 - 2: خرده مقولات عشق شورمندانه
64	شکل 4 - 3: خرده مقولات عشق رمانتیک
68	شکل 4 - 4: خرده مقولات عشق رفاقتی
71	شکل 4 - 5: خرده مقولات عشق سلحشورانه
72	شکل 4 - 6: خرده مقولات عشق سیال
78	شکل 4 - 7: نقش دین در تصور افراد از عشق
113	شکل 5 - 1: مدل نهایی پژوهش

بررسی جامعه‌شناختی ارزشها و نگرش‌های دو نسل؛ «نسل دوم انقلاب» (۴۲-۵۲) ساله و نسل سوم انقلاب (۱۷-۲۵) ساله، نسبت به روابط دختر و پسر و پدیده شکاف نسلی

مریم علی پور کماچالی

در این پژوهش نگرش دو نسل ۱۸ تا ۲۵ سال و نسل ۴۲ تا ۵۰ سال در مفهوم پردازی رابطه عاشقانه بررسی شد. این پژوهش درصدد پاسخگویی به پرسشهایی از قبیل نگرش افراد به عشق، شناخت برخی مفاهیم مرتبط با حوزه عاشقانه و ترسیم ابعاد مختلف عشق در نگرش دو نسل بود و استراتژی‌های مورد استفاده‌ی دو نسل را مورد بررسی قرار داد. این پژوهش با استفاده از روش کیفی با رویکرد نظریه پردازی داده محور (نظریه مبنایی) و بکارگیری تکنیک مصاحبه‌ی نیم ساخت یافته انجام شد. همچنین از شیوه‌ی نمونه‌گیری هدفمند برای نمونه‌گیری از میان نسل جوان پس از جنگ ۱۸ تا ۲۵ سال مجرد و نسل انقلاب ۴۲ تا ۵۰ سال که به زعم خویش عشق را تجربه کرده‌اند، استفاده شد.

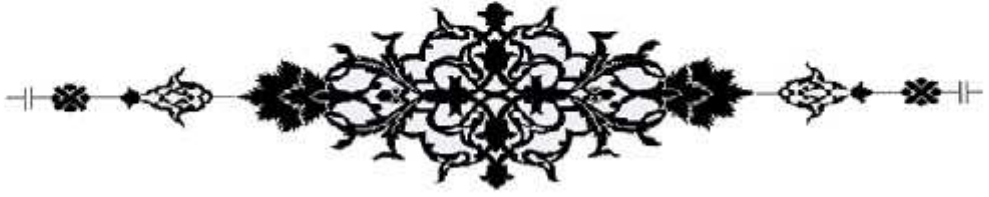
با استفاده از روش کدگذاری داده‌ها، مقوله‌هایی به دست آمد که با تحلیل آنها از نگرش افراد درباره‌ی عشق تیپولوژی‌هایی ارائه گردید. تحقیق نشان می‌دهد که عواملی نظیر چرخه زندگی، جنسیت، دین، تغییرات اجتماعی، مصرفی شدن و بازانندیشی مهمترین عواملی بوده که نگرش افراد درباره‌ی عشق را تحت تأثیر قرار داده است.

همچنین یافته‌ها مبین آن است که نسل جوان بیشتر طرفدار ارزشهای فرامادی هستند و در روابط عاشقانه‌ی خود در زمینه‌ی عاطفی و عقلانی خود پیرو بوده‌اند. ولی بدلیل گرایش نسل ۴۲ تا ۵۰ سال به ارزشهای مادی، این نسل، بیشتر دچار ارزشهای محاط شدگی هستند. در بین زنان نسل ۴۲ تا ۵۰ سال تبدیل عشق به رویداد غیر قابل تکرار یا مفهومی مربوط به گذشته بدست آمد. به این معنی که زنان با قرارگرفتن در دوره‌ای از زندگی که با فرزندآوری شان در ارتباط است امکان تجربه رابطه عاشقانه برایشان محدود شده است. ولی این مسئله در بین مردان به ندرت دیده شده است.

واژگان کلیدی: عشق، نسل، ارزشهای مادی، ارزشهای فرامادی، نگرش

فصل اول

کلمات



عشق مانند برق صاعقه است که در نگاه نخست انسان را میگیرد. عشق؛ مهم ترین چیز در جهان است که همه ملاحظات دیگر به ویژه ملاحظات مادی را باید به پای آن قربانی کرد؛ و سرانجام واگذاری کامل خود به محبت های عاطفی، امری ستودنی است، هر چقدر هم که نتیجه این کار در چشم دیگران مبالغه آمیز و هجو باشد (لارنس استون، 1977).

۱-۱- طرح مساله:

در طول تاریخ حیات از بدوخلقت آدمی تاکنون، انسانها درگیر پدیده پیچیده ای به نام عشق بوده اند. عشق به اشکال مختلف خود را نشان می دهد و در تمامی فرهنگ ها، این مفهوم جزو مفاهیم اساسی اجتماعی است. جامعه شناسان، مورخین و منتقدین ادبی، موضوعات عاشقانه را چه در زمینه اجتماع و چه در حیطه زندگی فردی، مورد بررسی قرار داده اند. به قول استیون جکسون^۱، جامعه شناس معاصر، انسان ها به این دلیل عاشق می شوند، چون این موضوعی است که نسل های پیشین را هم تاحدی به خود جلب کرده است (ایوانز، ۱۳۸۶: ۱۴).

در فرهنگ ایران نیز در روانشناسی، ادبیات و جامعه شناسی، بسیار زیاد از این واژه یاد شده است. به ویژه در ادبیات ایرانی، داستان ها و اشعار فراوانی با مضامین عاشقانه وجود دارد.

بی تردید جستجو برای «عشق حقیقی» در تاریخ عشق (یا ادبیاتی که درباره عشق نوشته شده است) ما را به معانی و اظهار نظرهای بسیار گوناگونی از این واژه هدایت می کند. نکته ثابت در این موضوع، مفاهیم ضمنی اجتماعی عشق است.

عشق، بیانگر دلبستگی فیزیکی و شخصی متقابلی است که دو نفر به یکدیگر احساس می کنند. گیدنز می گوید: این روزها بسیاری از ما ممکن است درباره این نظر که عشق «همیشگی است» تردید داشته باشیم، اما معمولاً فکر می کنیم که «عاشق شدن» از احساسات و عواطف عام انسانی ناشی می گردد. برای زوجی که عاشق می شوند، کاملاً طبیعی به نظر می رسد که بخواهند زندگی مشترکی آغاز کنند و در رابطه شان با یکدیگر در جستجوی ارضای شخصی و جنسی باشند. اما این نظر که چنین بدیهی می نماید، در واقع کاملاً غیرعادی است. عاشق شدن، تجربه ای نیست که اکثر انسان ها داشته باشند و به ندرت با ازدواج مربوط است (گیدنز، ۱۳۸۶: ۳۲).

می توان گفت نقش فرهنگ در این زمینه انکار ناشدنی می باشد. فرهنگ بر چگونگی تعریف مردم از عشق و چگونگی فرایند مناسبات عاشقانه اثرگذار است (براولد، ۱۹۸۴؛ فر، ۱۹۹۳؛ هاتلفیلد و راپسون، ۱۹۹۶؛ هانگ، ۱۹۸۹؛ به نقل از هاتفیلد و کیم، ۲۰۰۴). به ویژه در فرهنگ های جمع گرا و فردگرا، مردم هر فرهنگ در جایگاه بخشی و اهمیت به عشق با هم تفاوت دارند (گود، ۱۹۵۹؛ روپ، ۱۹۸۵؛ اسکولینک، ۱۹۹۶).

در حالی که عشق شهوانی در فرهنگ های فرد گرا، به طور گسترده تأکید می شود، در فرهنگ های جمع گرا، جایی که شبکه های خویشاوندی قوی و مناسبات خانوادگی گسترده موجود است، مناسبات شهوانی، غالباً به صورت منفی ارزیابی می شود. زیرا آن ها می توانند سنت مورد تأیید و سازماندهی شده انتخاب های ازدواج را بگسلند (لوین، ساتو، هاشیمیتو و ورما: 1995).

با این حال در دوران مدرن همراه با سایر تحولات، در اخلاقیات زندگی شخصی تحولی بنیادین رخ داده است. [اگرچه] در جوامع سنتی، گرایش جنسی پیوندمحکمی با فرایند تولید مثل دارد، اما در زمانه ما گرایش جنسی از تولید مثل جدا شده است. گرایش جنسی برای هر فرد یکی از ابعاد زندگی شده است که باید آن را کشف کند و بدان شکل دهد (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۸۱).

در میان جامعه شناسان درباره این مسئله توافق ضمنی وجود دارد که در اواخر دوران مدرنیته، نوعی دگرگونی در تعریف نوین از برخی جنبه های روابط مبتنی بر جنسیت و مجموعه جدیدی از انتظارات مردان و زنان از یکدیگر شکل گرفته است. بنابراین عجیب خواهد بود اگر «زبان عشق» همچون جنبه های دیگر زندگی اجتماعی تغییر نکند (ایوانز، ۱۳۸۶: ۱۲).

همچنان که در جوامع غیر دینی که از نظر تکنولوژی بسیار پیشرفته و پیچیده اند، پذیرش جهان بینی های مبتنی بر عشق و خیالات عاشقانه عمیقاً همراه کننده گردیده است. در چنین جهان بینی هایی تصور می کنیم می توانیم به عرصه ای از زندگی دست پیدا کنیم که تنها متعلق به ماست و از طریق آن می توانیم به جنبه های دیگری از هستی خود اعتبار بخشیم. در این جوامع با توجه به گوناگونی روز افزون و کنترل بیش تر بر اوضاع زندگی، عشق و روابط عاشقانه در اثر تغییر ارزش های اخلاقی و تابوهایی که روزگاری مهم تلقی می شدند، در حال تغییر است و یا از دست می روند (همان، ۳۲).

درفرنگ ما نیز، از یک سو علی رغم اینکه ساختارها و ارزش های سنتی، نقش مهمی در شکل بخشی روابط دوجنس ایفا می کنند، با این حال، با افزایش امکانات تکنولوژیک و قرار گرفتن در معرض فرهنگ جهانی، هر روز بیش از پیش از تأثیر سنت، میراث و اقتدار بر افراد همچنین بر روابط بین نسل ها کاسته می شود.

همانگونه که مارگارت مید در نظریه کریستالیزه شدن فرهنگ ها^۱ بیان می دارد: «برای نخستین بار در تمام طول تاریخ بشری، تاریخ و هویت خلق ها و فرهنگ های گوناگون توسط کتاب، فیلم، تلویزیون، ویدئو و مسافرت در برابر چشم ما حضوری آشکار دارند. فرهنگ ها، جامعه ها، مذهب ها، نظریه ها و مکتب ها هر روز بیش تر به صورت پدیده هایی آشکار جلوه می کنند که می توان به زیر و بم آن ها پی برد. این واقعیت نه تنها دست ما را در گزینش بدیل های متفاوت بازمی گذارد، بلکه امکانات گسترده ای را برای گزینه های دلخواه در عرصه های گوناگون (همچون تنوع شکل های سازمانی در عرصه سیاست و کار، غذا خوردن، پوشیدن و دوست داشتن) فراهم نموده است (شفرز، ۱۳۸۳: ۴۲).

در حیطه روابط مبتنی بر جنسیت نیز، از یک سو در بسیاری از جنبه ها همچون رابطه جنسی، ازدواج و صمیمیت، افراد از انتخاب های آزادانه بیش تری برخوردار گردیده اند. از دیگر سو در سال های اخیر همراه با دانش آموختگی زنان، همچنین حضور زنان و مردان در عرصه های مختلط اجتماعی، امکانات گسترده ای برای تنوع روابط دوجنس فراهم گردیده است.

افراد بیش از گذشته، خارج از چهارچوب های مرسوم اجتماعی وضع شده، روابط صمیمانه را تجربه می کنند که همگی این موارد می توانند بر موضوع و ماهیت عشق در جامعه اثرگذار باشند. به ویژه به نظر می رسد تصورات افراد به ویژه نسل جوان از عشق و مفاهیم مرتبط با عشق به نوعی تغییر کرده باشد، در حالی که نسل قبلی در جایگاه بخشی به عشق در روابط شخصی و تصویری که از آن دارند دارای نگرش متفاوت از نسل جوان است.

در این تحقیق به دنبال آنیم که به مطالعه تصورات افراد درباره عشق در میان دو نسل، نسل جوان (۲۵-۱۸) سال و نسل انقلاب (۴۲-۵۰) سال بپردازیم. مطالعه این که چگونه مفهوم عشق در تصور کنشگران هر نسل ساخته می شود؟ جایگاه عشق در الگوهای متفاوت روابط دوجنس (ازدواج و صمیمیت های خارج از ازدواج) چگونه است؟ مفاهیم مرتبط با عشق همچون تعهد و رابطه جنسی، چگونه در تصورات هر نسل در تعریف عشق وارد می شوند؟ کنشگران چگونه ارزش های مادی و فرامادی را در تصورشان از عشق دخیل می کنند؟ و جنسیت در هر نسل چه ویژگی هایی را به نحوه تعریف افراد از عشق و رابطه عاشقانه می دهد؟ برای درک وضعیت عشق در جامعه ضروری به نظر می رسد. مطالعه وضعیت عشق از منظر نسلی می تواند به درک واقع بینانه تر تصویر عشق در جامعه و روند تغییراتی که در این زمینه در حال وقوع است یاری رساند.

۱-۲- اهداف تحقیق:

دو هدف عمده ای که در این مطالعه دنبال می شود یکی در سطح توصیفی است که به توصیف نگرش افراد دونسل، نسل جوانان (۱۸-۲۵) سال و نسل انقلاب و جنگ (۴۲-۵۰) سال درباره «عشق» در روابط دو جنس و دیگری به تبیین چنین نگرشی در میان دونسل می پردازد.

اهداف جزئی:

- 1- دستیابی به ابعاد مفهومی عشق در میان کنشگران دونسل (تئپولوژی شناسی عشق)
- 2- توصیف و شناخت نقش ساختارها و ارزش های مادی و فرامادی در تعریف عشق در میان هر نسل
- 3- مطالعه جایگاه برخی مفاهیم مرتبط با عشق، همچون رابطه جنسی در تصور کنشگران هر نسل
- 4- توصیف نحوه تعریف هر نسل از عشق در الگوهای مختلف روابط (ازدواج و صمیمیت های خارج از ازدواج) دوجنس
- 5- توصیف و شناخت نقش جنسیت، در نحوه نگرش به عشق در میان هر نسل

۱-۳- پرسش های تحقیق:

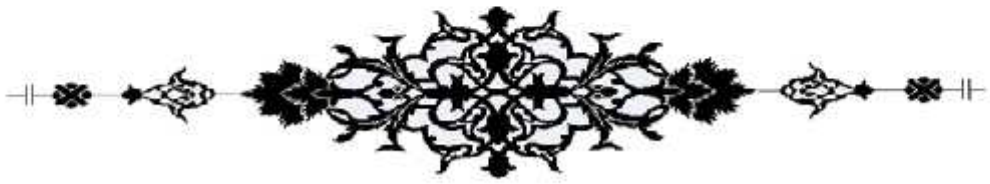
- 1- مفهوم عشق چگونه در تصورات هر نسل ساخته می شود؟
- 2- کنشگران هر نسل چگونه ارزش های مادی و فرامادی را در تصورشان از عشق وارد می سازند؟
- 3- کنشگران در هر نسل، چگونه رابطه جنسی را با عشق مرتبط می سازند؟
- 4- در هر نسل، جنسیت چه ویژگی هایی به نحوه درک کنشگران از عشق می بخشد؟
- 5- دو نسل در چه حیطه هایی تلقی مشابه، و در چه حیطه هایی تلقی متفاوتی از عشق و روابط عاشقانه دارند؟

1-4- ضرورت تحقیق:

- ۶- عشق، زبان تفاهم و رفتاری است که ما از طریق آن، جنسیت و زندگی شخصی خود را سامان می دهیم و از این رو عشق، هم برای ما به عنوان فرد مهم است و هم جامعه و دنیای اجتماعی را بطور کلی تحت تأثیر خود می گیرد. از همین روست که اخیراً عشق درمیان دغدغه های جامعه شناسان و تاریخ نگاران اجتماعی، جایگاه خاصی را اشغال کرده است و چنین به نظر می رسد که عشق بسیار مسأله ساز شده و به آشفتگی ها و تعارضات بی شماری که دنیای اجتماعی را از پایداری و ثبات خارج می کند دامن زده است (ایوانز، ۱۳۸۶: ۷).
- ۷- فروم می گوید: «عشق»، یگانه پاسخ کافی و عاقلانه به مسأله هستی انسان است. پس هر جامعه ای که از تکامل عشق جلوگیری کند به ناچار در تضادش با نیاز ضروری طبیعت بشری، محکوم به فناست. ایمان به عشق به عنوان یک پدیده اجتماعی و نه به منزله یک پدیده استثنایی و فردی، ایمانی عقلایی است که از بینش آدمی در درک طبیعت خود سرچشمه می گیرد (فروم، ۱۳۸۷: ۱۶۵). تحلیل ماهیت عشق نه تنها می تواند نشان دهد که آیا اساساً عشقی وجود دارد یا نه، خود می تواند نشانی از اوضاع اجتماعی بوده که عشق را تحت تأثیر قرار می دهد.
- ۸- در مواردی همچون عشق، ازدواج؛ تمایل جنسی و... آنچه ممکن است احساسات و عواطف «طبیعی» انسان تصور شود، در واقع، بطور فراگیر از عوامل اجتماعی تأثیر می پذیرد. درک اینکه با چه شیوه های ظریف و درعین حال پیچیده و ژرفی، زندگی؛ زمینه های تجربه اجتماعی ما را منعکس می کند، برای جامعه شناسی دارای اهمیت اساسی است. جامعه شناسی به ویژه توجه خود را بر زندگی اجتماعی در جهان امروزی متمرکز می کند (گیدنز، ۱۳۸۶: ۳۶).
- ۹- در این میان مطالعات نسلی، از اهمیت بسزایی برخوردار است. در سطح کلان اگر درصد فهم دقیق ویژگی های روند رو به رشد تغییرات اجتماعی و فرهنگی زمان خویش باشیم، اهمیت کاربردی مطالعه ی نسل ها آشکار می شود.
- ۱۰- به نظر می رسد اختلاف برداشت بین نسل ها امروز عمیق تر از هر زمان دیگری در تاریخ است. به خاطر اینکه نسل فعلی بیش از هر نسلی در تاریخ حیات خود شاهد دگرگونی فرهنگی و اجتماعی بوده است (شفرز، ۱۳۸۴: ۴۱).
- ۱۱- بنابراین مطالعه نسل ها از یک سو می تواند ما را در فهم چگونگی روابط بین نسل ها یاری رساند و از دیگر سو از آنجاکه نسل جوان، چه در سطح ملی و چه در سطح جهانی با طرح علایق، نیازها و گرایشات خود می تواند عامل اساسی تغییر فرهنگ محسوب شود، مطالعات نسلی می تواند نقش هر نسل به ویژه نسل جوان را در شکل دهی فرهنگ نشان دهد. از دیگر سو در نوجوانی و جوانی عاشق شدن، مهم ترین پیش نیاز برای دستیابی به مهارت های روان اجتماعی و جنسیتی است. این عشق حاوی ابعاد روان شناختی، احساسی و رفتاری است و به عبارتی، افزایش تحریک ها، تجربه عاشقانه، حس لذت و تلاش برای نزدیکی، در تفکر افراد ماندگار خواهد بود، مطالعه نگرش و تجربه جوانان درباره عشق می تواند در شناخت اثراتی که تجربیات عاشقانه در موارد گفته شده می گذارد، مؤثر باشد.

فصل دوم

مبانی نظری تحقیق



۲-۱- مقدمه:

این موضوع به دلیل ماهیت خاص خود این قابلیت را دارد که موضوع تحقیق و کنکاش رشته های متفاوتی از جمله روانشناسی و جامعه شناسی باشد. در این زمینه کوشیده ایم از میان تحقیقات و بررسی های به عمل آمده، چندین نمونه از پژوهش های خارجی و داخلی را مطرح نماییم. ناگفته نماند که در بخش تحقیقات داخلی به هر دو گروه از تحقیقاتی که در زمینه روانشناسی و جامعه شناسی به مسئله یادشده پرداخته اند، اشاره کرده ایم.

۲-۲- پیشینه ی پژوهش

۲-۲-۱- پیشینه ی پژوهش درباره عشق

۲-۲-۱-۱- پژوهش های داخلی درباره عشق

۱- کیومرث فرحبخش و عبدالله شفیعی آبادی در پژوهشی به بررسی ابعاد عشق ورزی براساس نظریه سه بعدی عشق در چهارگروه زوج های در مرحله نامزدی، عقد، ازدواج و دارای فرزند پرداختند. هدف این پژوهش که از نوع توصیفی بود، بررسی میزان عشق و نحوه ترکیب آن در زوج هایی بود که در مراحل مختلف زندگی زناشویی به سر می بردند.

برای انجام این پژوهش ۵۰۰ زوج از پنج منطقه شهر اصفهان که در چهارمرحله نامزدی، عقد، ازدواج و فرزندپروری قرار داشتند و مایل به همکاری بودند به صورت در دسترس انتخاب شدند (فرحبخش و شفیعی آبادی، ۱۳۸۵: ۲). ابزار اندازه گیری در این پژوهش آزمون تشخیص عشق بود که توسط استرنبرگ (۱۹۸۹) تهیه گردیده است. این آزمون ۴۵ سوال داشت که هرپانزده سوال آن یکی از ابعاد عشق را می سنجد (همان، ۸).

نتایج نشان داد که بین میزان عشق ورزی در مراحل مختلف زندگی زناشویی تفاوت معناداری وجود داشت. به علاوه بین جنسیت آزمودنی ها و مراحل تحول زندگی زناشویی در عشق ورزی تعامل وجود داشت. همچنین مشاهده گردید بین میزان عشق ورزی زن و شوهر همبستگی معناداری وجود دارد.

بنابراین پژوهش، سیرکلی عشق ورزی در آغاز ازدواج بالا بود، سپس کاهش می یابد. و مجدداً در سال های بعد ازدواج، کاهش می یابد. سیر این تحول در زن و مرد متفاوت بود. مردان در مقایسه با زنان، زندگی زناشویی را با عشق شدیدتری شروع می کنند، اما زنان این عشق را در طول زندگی مشترک بیش تر حفظ می کنند. زنان، زندگی زناشویی را با صمیمیت بیش تری شروع می کنند و در مرحله ازدواج که هنوز فرزندی ندارند در مقایسه با مردان صمیمیت کمتری را ابراز می دارند و در دوره فرزندپروری آن را بیش تر افزایش می دهند. در حالی که میزان صمیمیت مردان سیر نزولی داشت. شوریدگی زنان در مرحله نامزدی بالاتر از مردان قرار گرفت. اما از دوره عقد به بعد در مقایسه با مردان سیر نزولی بیش تری دارد. یافته ها نشان داد که اگرچه سطح شوریدگی در آغاز در مردان بیش تر از زنان است، اما سطح شوریدگی در مراحل بعدی ازدواج در زنان بالاتر از مردان است.

زن و مرد عشق را با سطح یکسانی از تعهد شروع می کنند و در زنان بعد از ازدواج به شدت افزایش می یابد و در مردان پس از دوران عقد، تقریباً ثابت می ماند. همچنین سطح تعهد زنان نسبت به همسر بعد از ازدواج و تولد فرزند درمقایسه با مردان به شدت افزایش می یابد. بطورکلی این تحقیق نشان داد که عشق ورزی در زنان درمقایسه با مردان از ثبات بیش تری برخوردار است (همان : ۱۶-۱۷).

۲- پروین رفیعی نیا و آرزو اصغری، در پژوهشی با عنوان رابطه بین انواع عشق و بهزیستی ذهنی در دانشجویان متأهل به بررسی رابطه عشق رفاقتی و عشق پرشور بارضایت از زندگی و عاطفه مثبت و منفی پرداختند. از بین دانشجویان متأهل دانشگاه تربیت مدرس، ۱۲۳ نفر (۶۳ زن ، و ۶۰ مرد) به عنوان نمونه دردسترس انتخاب شدند. برای اندازه گیری متغیر عشق ، از مقیاس عشق پرشور (هاتفیلد، وریسون : ۱۹۹۳) و مقیاس عشق رفاقتی (استرنبرگ، ۱۹۸۶) و برای اندازه گیری بهزیستی ذهنی از مقیاس رضایت از زندگی (پیوت و دانیر : ۱۹۹۳) و مقیاس عاطفه مثبت و منفی (واتسون ، کلارک ، تجلن، ۱۹۸۸) استفاده شد. داده های بدست آمده با استفاده از روش تحلیل رگرسیون چندمتغیری تحلیل شد. باتوجه به نتایج، بدون در نظر گرفتن تفاوت های جنسیتی، رابطه عشق رفاقتی بارضایت از زندگی مستقیم و معنادار بود و با عاطفه منفی معکوس و معنادار بود. ولی عشق پرشور، با هیچکدام از متغیرهای بهزیستی ذهنی ارتباط معناداری نداشت. تفاوت های جنسیتی تنها در رابطه بین عشق رفاقتی و عاطفه مثبت و منفی مشاهده شد. به گونه ای که در زنان، عشق رفاقتی بالا با عاطفه مثبت بالاتر و عاطفه منفی پایین تر رابطه داشت. ولی در مردان رابطه بین عشق رفاقتی و عاطفه منفی و مثبت معنادار نبود. بنابراین، نتایج مطالعه نشان می دهد که عشق به سادگی موجب شادکامی نمی شود. و رابطه بین عشق و بهزیستی ذهنی یک رابطه چندبعدی است. در مجموع، یافته های پژوهش، از اهمیت نقش عشق رفاقتی در برخی از مولفه های بهزیستی ذهنی حمایت نمود (رفیعی نیا و اصغری : ۱۳۸۶).

۳- فرخ نادری، علیرضا حیدری و زینب حسین زاده در پژوهشی با عنوان رابطه بین دانش و نگرش جنسی، مولفه های عشق و رضایت زناشویی با همسرآزاری به بررسی در کارکنان متأهل ادارات دولتی شهراوز پرداختند. نمونه مورد مطالعه در این پژوهش شامل ۲۰۰ نفر از کارکنان ادارات دولتی (۱۰۰ نفر مرد و ۱۰۰ نفر زن) بودند که با روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند. این تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی و از نوع همبستگی بود. ابزارهای مورداستفاده شامل مقیاس تجدیدنظر، تاکتیک های تعارضی^۱ مقیاس دانش و نگرش جنسی، پرسشنامه عشق استرنبرگ و پرسشنامه رضایت زناشویی اینریچ^۲ بودند. داده ها با استفاده از روش های آماری با ضریب همبستگی ساده و رگرسیون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته ها نشان داد بین دانش و نگرش جنسی، مؤلفه های عشق و رضایت زناشویی با همسرآزاری، هم در مردان و هم در زنان رابطه منفی معناداری وجود داشت و این متغیرها پیش بینی کننده مناسبی برای همسرآزاری بودند (نادری و همکاران : ۲۹).

در توصیف یافته ها ، محققین براین باورند که اگر زوجین در رابطه شان با همسرشان صمیمیت داشته باشند و احساس کنند مورد پذیرش قرار گرفته اند، با ارضای نیاز ارزشمند بودن و صمیمیت، احساس نیاز به یکدیگر افزایش یافته و زوجین درارتباط

^۱.CTS-2

2 . ENRICH

خود و درهنگام بروز مشکلات، از رفتارهای خطرناک و آسیب رسان پرهیز کرده و حتا از بروز خشونت کلامی نیز خودداری می کنند. از سویی هر 231 چه روابط رمانتیک و جذابیت های جسمانی و لذت جنسی در رابطه زیاد باشد، فعالیت های جسمانی و جنسی مانند تماشای فیلم های عاشقانه، خواندن مطالب عاشقانه باهمسر افزایش می یابد و در این فضا، همسران برای یکدیگر اهمیت قائل بوده و سعی خواهند کرد مشکلات پیچیده ای در رابطه شان رخ ندهد. همچنین در یک رابطه زناشویی بیمارگونه هریک از زوجین درصدد دستیابی به اهداف و خواسته های شخصی خود هستند. در چنین فضایی اذیت و آزار طرف مقابل به راحتی صورت می گیرد. در اغلب موارد اگر حفظ رابطه برای زوجین اهمیت داشته باشد و خود را متعهد بدانند، رفتارهای آزار دهنده را بروز نخواهند داد.

- میترا حفاظی، علی فیروزآبادی و حسن حق شناس در پژوهشی با عنوان بررسی ارتباط بین اجزاء عشق و رضایتمندی زوجی به بررسی روایی و پایایی پرسشنامه مقیاس مثلی عشق استرنبرگ برای عشق، که یکی از رایج ترین مقیاس ها در این زمینه می باشد و بررسی رابطه اجزای عشق براساس نظریه استرنبرگ، بارضایتمندی شغلی پرداختند. در این پژوهش که بر روی ۱۲۳ فرد متأهل ساکن شهر شیراز و باروش نمونه گیری دردسترس انجام شد. ابزار مورد استفاده، پرسشنامه رضایتمندی زوجی انریچ^۱، پرسشنامه مقیاس عشق استرنبرگ برای عشق و مشخصات جمعیت شناختی بود. این بررسی نشان داد که مقیاس عشق استرنبرگ برای عشق و ترجمه فارسی از روایی و پایایی مطلوب برخوردار است و سه جزء صمیمیت، شور و اشتیاق و تعهد بارضایتمندی زوجی بستگی داشتند. جزء صمیمیت هم در زنان و هم در مردان بالاترین همبستگی را نشان داد. ولی میانگین نمرات این اجزاء و رضایتمندی و شاخص های انریچ در گروه زنان بامردان تفاوت معنی داری نداشت (حفاظی و همکاران، ۱۳۸۵: ۹۹). از دیگر فرضیات این پژوهش ارتباط بین متغیرهای جمعیت شناختی (سن، جنسیت؛ سال های تأهل، تعداد فرزندان و...) با سه جزء عشق و رضایتمندی زوجی بود که نتایج نشان دادند با افزایش سن و سال های تأهل، هم در گروه مردان و هم در گروه زنان، سطح رضایتمندی و نمرات سه جزء عشق همگی کاهش می یابد. بین سایر متغیرهای جمعیت شناختی از جمله تعداد فرزندان، تحصیلات فرد، تحصیلات همسر، مدت آشنایی قبل ازدواج از یک سو و نمرات سه جزء صمیمیت، شور، اشتیاق و تعهد و رضایتمندی زناشویی از سوی دیگر ارتباط معنی داری یافت نشد. همچنین در این مطالعه دیده شد که جنسیت تأثیری بر نمرات رضایتمندی، شاخص های انریچ و نمرات سه جزء عشق ندارد و گروه زنان و مردان از این نظر تفاوت معنی داری ندارند (همان، ۶-۱۰۵). بطور کلی می توان گفت یافته ها نشان داد که سه جزء مقیاس استرنبرگ با برخی متغیرهای جمعیت شناختی قادر به پیش بینی رضایتمندی شغلی می باشد.

۵- سارا درویش زاده و غلامرضا پاشا، در پژوهشی با عنوان بررسی اثربخشی آموزش پیش از ازدواج، به بررسی میزان اثربخشی آموزش پیش از ازدواج بر تغییر قصه عشق دانشجویان دختر مجرد، براساس نظریه قصه عشق استرنبرگ، پرداختند. این پژوهش که در شهرستان دزفول انجام شد، از بین داوطلبین شرکت کننده در کارگاه آموزش پیش از ازدواج؛ تعداد ۵۰ دانشجوی به شکل تصادفی ساده انتخاب شدند و به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم گردیدند. طرح تحقیق، از نوع پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل بود. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از روش تحلیل کوواریانس چندمتغیری استفاده شد (درویش زاده و پاشا، ۵).